

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی شده کودکان طلاق

Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on externalized and internalized problems in children of divorce

Seyede Atefeh Hoseini Yazdi

Clinical Psychology

Ali Mashhadi &

Seyed Ali Kimiaee

Ferdowsi University of Mashhad

Zahra Asemi

General Psychology

سیده عاطفه حسینی یزدی

روانشناسی بالینی

علی مشهدی*

سید علی کیمیایی

دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا عاصمی

روانشناسی عمومی

چکیده: طلاق یکی از استرس‌زاترین رویدادهای زندگی برای والدین و کودکان است. طلاق والدین مشتمل بر مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی‌های مجدد خانواده است که در طول زمان بر سازگاری کودک تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق (CODIP) بر کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده این کودکان انجام شد. در این پژوهش آزمایشی که از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود، تعداد ۲۵ کودک (۱۳ نفر گروه آزمایش، ۱۲ نفر گروه کنترل) ۱۰ تا ۱۲ ساله از خانواده‌های طلاق شهرستان کاشمر شرکت کردند. برای گروه آزمایش ۱۵ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق طی ۵ هفته متوالی و سه روز در هفته برگزار شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکردند. ابزار پژوهش پرسشنامه فهرست رفتاری کودکان (CBCL) بود. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق تأثیری معنادار بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان طلاق داشت؛ اما بر کاهش مشکلات درونی‌سازی شده آنها تأثیر معناداری نداشت. از آنجایی که کودکان طلاق همواره در معرض خطر مشکلات رفتاری بیشتری هستند، بنابراین توجه به مداخلات گروهی و آموزش مهارت‌های حل مسأله، در چگونگی برخورد کودکان با پدیده طلاق و توانمندسازی آنها در برابر چالش‌های زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهارت‌های آموزش داده شده در جلسات، علاوه بر کاهش برخی مشکلات رفتاری، به‌گونه‌ای است که کودکان و والدین آنها می‌توانند به‌راحتی آنها را در موقعیت‌های زندگی واقعی اجرا کنند و از اثرات مثبت آن سود ببرند.
واژه‌های کلیدی: برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، طلاق، مشکل درونی‌سازی شده، مشکل برونی‌سازی شده

Abstract: Divorce is one of the most stressful events in children and parents' life. Divorce is a major change and reorganization of life that influences children's adjustment over time. The aim of the present study was to investigate the effects of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on decreasing internalized and externalized problems in children. In this experimental research, with pre-test post-tests with control group, twenty five 10-12 years old children from divorced families in Kashmar were selected as sample. For 13 children in experimental group 15 sessions of CODIP was administrated in 3 days per week and 5 consecutive weeks, but 12 children in control group received no program. Child Behavior Checklist (CBCL) was the research measurement tool. Results showed that CODIP has significant effect on decreasing externalized problems; but no significant effect on internalized problems in children from divorced families. Since children of divorced parents are more at risk of behavior problems, attention to group programs and teaching problem solving skills is important for this children and empowering them in life. In addition to reducing some problems, the skills that were taught are in such a way children and their parents can easily implement them in the real life and benefit from their positive effects.

Keywords: Children of Divorce Intervention Program, divorce, internalized problem, externalized problem

مقدمه

خانواده اولین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جامعه است که نقش مهمی در بهداشت روانی فرزندان و اعضای جامعه دارد. با این وجود امروزه خانواده‌ها در هر جامعه‌ای دچار آسیب‌های متعددی می‌شوند که یکی از آنها طلاق^۱ است. طلاق والدین یکی از عمده‌ترین رویدادهای استرس‌زایی است که کودکان و نوجوانان با آن مواجه می‌شوند و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی در بزرگسالان و کودکان بر جای می‌گذارد. در این میان، کودکان طلاق به خاطر سن پایین‌تر و مهارت‌های ناکارآمد، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند (فاگان و چرچیل، ۲۰۱۲؛ لاک گرینوود، ۲۰۱۴؛ هالیگان، چنگ و نوکس، ۲۰۱۴؛ ویور و اسکافیلد، ۲۰۱۵).

طلاق والدین مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی‌های مجدد را در خانواده ایجاد می‌کند که در طول زمان بر سازگاری^۲ کودک تاثیر می‌گذارند. این تغییرات شامل تغییر محل سکونت، روابط خانوادگی و استانداردهای زندگی می‌شود که نه تنها سازگاری زوجین بلکه تعادل روانی فرزندان و اطرافیان را نیز به خطر می‌اندازد. در این میان یکی از اصلی‌ترین قربانیان این تصمیم والدین کودکان هستند (جرمی، ۲۰۱۵). طلاق هم‌چنین در بسیاری از موارد مشکل‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی به همراه دارد. چنین تغییراتی باعث می‌شود کودکان احساس خشم، گناه، ناراحتی، ترس و مشکلات انطباقی را تجربه کنند (بریور، ۲۰۱۰). در سال‌های اخیر این معضل اجتماعی در کشور ما روند رو به رشدی داشته است؛ ایران رتبه چهارم طلاق را در جهان به خود اختصاص داده است که زنگ خطری برای جامعه و خانواده‌ها محسوب می‌شود (رنجبر، ۱۳۹۳). مشکلاتی از قبیل کاهش کیفیت ارتباطات، کاهش نظم و ثبات، و تضاد بین اعضای خانواده در خانواده‌های طلاق به وفور دیده می‌شود (سیه و شک، ۲۰۰۸). به‌طور کلی می‌توان گفت این پدیده یک رویداد پیچیده است و باعث دگرگونی‌های عمده‌ای در مسیر زندگی می‌شود و اثرات شخصی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت زیادی دارد. این مساله الگوهای رابطه‌ای جدیدی را می‌طلبد (آماتو، ۲۰۰۰؛ هترینگتون و

1. divorce
2. adjustment

کلی، ۲۰۰۲). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که مشکلات زناشویی والدین بر فرزندان و کیفیت روابط آنها تاثیر می‌گذارد و بین تعارضات زناشویی و مشکلات رفتاری کودکان رابطه مثبت وجود دارد (استوزمن، بین، میلر، دی، فینوئز و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ به نقل از بشارت، دهقانی و تولائیان، ۱۳۹۳). در همین راستا مشکلات درونی‌سازی^۴ و برونی‌سازی^۵ شده کودکان طلاق نیز قابل بررسی است. مطالعات نشان داده‌اند که کودکان طلاق مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند (استکول، ۲۰۱۱).

رویکرد تجربی که اندیشه اصلی آن طبقه‌بندی اختلالات روی پیوستارهای مختلف با استفاده از شیوه آماری است، سنجش اختلالات دوران کودکی و نوجوانی را در دو طبقه اختلالات درونی شده و برونی شده طبقه‌بندی می‌کند (لوف، شکری و قنبری، ۱۳۹۳). در گستره روانشناسی مرضی تحولی، مشکلات برونی‌سازی شده از شایع‌ترین علل مراجعه کودکان و نوجوانان به کلینیک‌های سلامت روانی به شمار می‌روند (لیستاگلوند، بردمیر و تایان، ۲۰۰۵). اختلال‌های برونی‌سازی شده دربرگیرنده مشکلاتی هستند که رو به بیرون دارند و در تعارض با دیگر افراد و محیط قرار می‌گیرند؛ به بیان دیگر الگوهای رفتاری سازش‌نا یافته‌ای هستند که در تعارض با دیگر افراد و انتظاراتشان قرار می‌گیرند (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۵). این اختلال‌ها از مقاوم‌ترین اختلال‌های دوران کودکی هستند و به عنوان محور مشکلات رفتاری کودکان شناخته شده‌اند. اختلالات برونی‌سازی شده شامل رفتارهای قانون‌شکنانه^۶ و پرخاشگرانه‌ای^۷ هستند که شامل اختلال کاستی توجه/بیش‌فعالی^۸، اختلال سلوک^۹ و اختلال نافرمانی مقابله‌ای^{۱۰} هستند (خانجانی و هداوند خانی، ۱۳۹۱). این گروه از مشکلات که در پژوهش‌ها با عناوینی مانند مشکلات رفتاری، انضباطی، رفتارهای اغتشاش‌آمیز^{۱۱}،

3. Stutzman, S. V., Bean, R. A., Miller, R. B., Day, R. D., Feinauer, L. L., et al.

4. internalizing problems

5. externalizing problems

6. outlaw behavior

7. aggressive behavior

8. attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD)

9. conduct disorder

10. obedient defensive disorder (ODD)

11. disruptive behavior

داده‌اند که درصد بالایی از اختلال‌های برونی‌سازی شده در کودکان در بزرگسالی به اختلال شخصیت ضداجتماعی، سوءمصرف مواد و سایر و اعمال مجرمانه منتهی می‌شوند (ویکس-نلسون و اسرائیل، ۲۰۰۳). به عبارتی پیش‌آگهی این اختلالات نامطلوب است و کودکان مبتلا در سال‌های آینده در معرض خطر مشکلات دیگری مثل اختلالات یادگیری، خلقی، اضطراب، سوءمصرف الکل، اختلال شخصیت ضداجتماعی و ناسازگاری‌های مربوط به زندگی زناشویی و شغلی هستند (جلالی، پوراحمدی، باباپور خیرالدین و شعیری، ۱۳۸۸).

درمقابل، مشخصه اصلی اختلال‌های درونی‌سازی شده، رفتارهای بیش از حد مهارشده‌ای^۲ است که معطوف به درون^۳ هستند (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). نشانه‌های درونی‌سازی شده شامل سکوت زیاد، اضطراب، افسردگی، بازداری^۴، ناامیدی، کناره‌گیری^۵، انزوای اجتماعی و شکایات جسمانی هستند (مارچانت، سولانو، فیشر، کالداریلا، یانگ و همکاران، ۲۰۰۷). به عبارتی، مشکلات درونی‌سازی شده شامل نوعی آشفتگی اصلی در هیجان‌ها و خلیات است. نشانه‌شناسی این اختلالات غالباً دربرگیرنده احساس‌های حقارت، خودآگاهی زیاد، کناره‌گیری اجتماعی، کمرویی، ترس، دلبستگی بیش از حد، غم و اندوه مزمن است (روزنهان و سلیگمن، ۱۹۹۷). مشکلات درونی‌سازی شده بر این اساس از مشکلات برونی‌سازی شده مجزا می‌شوند که این مشکلات بیشتر منعکس‌کننده آشفتگی و رنج شخصی کودک هستند نه تعارض کودک با محیط پیرامونش. افراد مبتلا به مشکلات درونی‌سازی شده سعی می‌کنند سطح بالایی از مهارگری افراطی و سازش نیافته را درباره فرایندهای فکری، رفتاری و هیجانی خود اعمال کنند، درحالی‌که افراد مبتلا به مشکلات برونی‌سازی شده، به عکس راهبردهای لازم در جهت خودنظم‌دهی و مهار رفتارها، عواطف و شناخت‌هایشان ندارند (مرادی‌مطلق، عابدین و حیدری، ۱۳۸۸). مشکلات درونی‌سازی شده تاثیر منفی بر حرمت خود^۶، عملکرد تحصیلی، سلامت جسمانی، کارایی اجتماعی و سازش یافتگی روانشناختی

بزهکاری و همانند آن مشخص می‌شوند، طیف وسیعی از مشکلات را دربرمی‌گیرند و می‌توانند آثار مخربی بر کودک، خانواده، معلمان، همسالان و سایر اطرافیان داشته باشند (مقان، کریستینسن، جنسون، اولیمپیا و کلارک، ۲۰۰۵). مشکلات برونی‌سازی شده، مزمن و فراگیر هستند و جدی‌ترین آسیب را بر روابط والد-کودک وارد می‌کنند و استرس بین والدین و هم‌چنین خطر پیامدهای آسیب‌زا را در زندگی آتی کودک افزایش می‌دهند (سید موسوی، نادعلی و قنبری، ۱۳۸۷). نشانه‌های این دسته از اختلال‌ها برخلاف رفتارهای درونی‌سازی شده، در رفتار برونی‌کودکان ظاهر می‌شوند و نمایانگر عمل منفی کودک بر محیط بیرونی هستند، از این‌رو بیش از آن‌که بر خود فرد اثر بگذارند موجب ایجاد مشکل برای دیگران خواهند شد (دادستان، بیات و عسگری، ۱۳۸۸). مشکلات رفتاری کودک ناشی از ضعف مهارگری^۱ اوست و شامل دو نشانگان رفتاری نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه است (مهکام و دادستان، ۱۳۸۸). بارزترین نشانه‌های برونی‌سازی شده را می‌توان خصومت، پرخاشگری، نافرمانی و تضادورزی، بیش‌فعالی و برانگیختگی، انحراف از هنجارهای اجتماعی، تخریب اموال و آسیب زدن به دیگران دانست که مشخصه تمامی آنها بی‌نظمی رفتار است (اولاند، ۲۰۰۲). نشانه‌های برونی‌سازی شده، به‌طورکلی، پایداری قابل توجهی طی زمان نشان می‌دهند و طی فرایند تحول به شکل‌های مختلف بروز می‌کنند. اشکال زودرس نشانه‌های برونی‌سازی شده که از دومین سال زندگی قابل مشاهده‌اند به‌صورت بی‌قراری، بدقلقی، گریه زیاد و لجبازی ظاهر می‌شوند (گیلیوم و شاه، ۲۰۰۴). در سال‌های بعد پرخاشگری جسمانی، تضادورزی و نخستین شکل‌های نقض قوانین در خانه و محیط آموزشی در صدر جدول نشانه‌شناسی قرار می‌گیرند و در نوجوانی، پرخاشگری کلامی، اشکال پنهان‌تر پرخاشگری مانند سرقت و سوءمصرف مواد و رفتارهای ضداجتماعی جدی که می‌توانند در تضاد آشکار با قوانین جامعه قرار گیرند و نوجوان را به سمت بزهکاری سوق دهند غلبه می‌یابند (لیو، ۲۰۰۴). بنابراین هرچند الگوهای رفتار برونی‌سازی شده طی زمان پایدار هستند، اما مولفه‌های این الگوهای رفتاری دستخوش تغییرات قابل پیش‌بینی می‌شوند (دادستان و همکاران، ۱۳۸۸). پژوهش‌های مختلف نیز نشان

2. over-controlled
3. inner-directed
4. inhibition
5. withdrawal
6. self-esteem

1. controlling

کودکان طلاق را بر مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده آنان بررسی کند. هدف پژوهش حاضر این بود که مشخص کند آیا برنامه مداخله‌ای ویژه طلاق تاثیر معنادار بر کاهش مشکلات درونی‌سازی- برونی‌سازی شده کودکان طلاق دارد یا خیر. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به این شکل تدوین شدند: (۱) برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق باعث کاهش معنادار در مشکلات برونی‌سازی شده کودکان می‌شود؛ و (۲) برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق باعث کاهش معنادار در مشکلات درونی‌سازی شده کودکان می‌شود.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش این پژوهش آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه کودکان طلاق ۱۰ تا ۱۲ ساله شهرستان کاشمر بودند. تعداد ۲۵ کودک طلاق از بین خانواده‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان کاشمر که از طرف دادگاه خانواده شهرستان، معرفی‌نامه برای یک جلسه مشاوره قبل از طلاق داشتند، به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش ۱۳ نفر (۸ دختر و ۵ پسر) و گروه کنترل ۱۲ نفر (۵ دختر و ۷ پسر) بودند. شرایط ورود شرکت‌کنندگان این بود که کودکان می‌بایست با یکی از والدین خود زندگی می‌کردند و هیچ‌یک از اختلالات تحولی ویژه کودکان نظیر بیش‌فعالی و درخودماندگی برای آنها تشخیص داده نشده باشد. پس از جلب نظر زوج‌های موردنظر، تمامی افراد واجد شرایط غربال‌گری و نمونه مورد نظر انتخاب شد. پیش‌آزمون با فرم فهرست رفتاری کودکان^۳ قبل از شروع جلسات انجام شد و پس از اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، پس‌آزمون با همین پرسشنامه به عمل آمد. این پرسشنامه منحصرًا توسط والدی تکمیل شد که در زمان اجرای مداخله سرپرستی کودک را بر عهده داشت. شصت و چهار درصد از کودکان مورد مطالعه، تحت سرپرستی مادر و ۳۶ درصد دیگر تحت سرپرستی پدر خود بودند. هم‌زمان یک گروه کنترل از کودکان طلاق نیز در دسترس بود که در روزهای متفاوت از روزهای گروه آزمایش به بازی و فعالیت‌های روزمره

کودک در آینده دارند (مسمن، بونگرز و کوت، ۲۰۰۱). مشکلات درونی‌سازی شده می‌توانند بسیار زود و از سال دوم زندگی آغاز شوند و در طی زمان تحول یابند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای درونی‌سازی شده پس از سال دوم زندگی به تدریج افزایش می‌یابند (فانتی، ۲۰۰۷) و در سال پنجم تا ششم به میزان قابل توجه و نگران‌کننده‌ای می‌رسند (زنگ، ۲۰۰۷). کودکان دچار اختلال‌های درونی‌سازی شده با مشکلات فراوانی روبرو هستند که از میان آنها می‌توان به سطح پایین حرمت خود، ضعف تحصیلی، مشکلات ارتباطی با همسالان اشاره کرد (رینولدز^۱، ۱۹۹۲؛ به نقل از مارچانت و همکاران، ۲۰۰۷). این مشکلات نیز می‌توانند به نوبه خود مشکلات ابتدایی را تشدید کنند و بر کنش‌وری و سازش‌یافتگی کودک تاثیر منفی داشته باشند. ولی از آنجا که اختلال‌های درونی‌سازی شده مشکل چندانی برای اطرافیان ایجاد نمی‌کنند و بسیاری از نشانه‌هایی که کودکان از آنها رنج می‌برند مانند ناامیدی، اضطراب و بازداری، صرفاً درون فرد تجربه می‌شوند، این مشکلات کمتر شناسایی می‌شوند و مورد توجه بالینی قرار می‌گیرند (رونلوف، میسترز، هورن، باملیس و موریس، ۲۰۰۶).

برنامه‌های مقابله‌ای و مداخله‌ای که محیط حمایتگری برای کودکان طلاق ایجاد کند تا احساسات و تجارب آنها را عادی‌سازی کند برای افزایش سازگاری، بهداشت روانی و خودکارآمدی و تاب‌آوری کودکان، ضروری به نظر می‌رسد؛ برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق^۲ یکی از این برنامه‌ها است. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق یک برنامه پیشگیری مداخله‌ای است که بر عوامل حمایتی مرتبط با تاب‌آوری در کودکان بعد از طلاق تمرکز دارد. هدف اولیه این برنامه این است که محیط گروهی حمایتگری بسازد که کودکان بتوانند در آن، پیوندهای مشترک ایجاد کنند و مهارت‌هایی را که ظرفیت آنان را برای مقابله با تغییرات استرس‌زای طلاق افزایش می‌دهد، کسب کنند (پدروکارول و آلپرت‌گیلیس، ۱۹۹۷).

با وجود پیشینه پژوهشی قوی این اثربخشی در پژوهش‌های خارجی، این پژوهش که برای اولین بار در داخل کشور اجرا می‌شود بر آن است تا تاثیر اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه

1. Reynolds, W. M.
2. Children of Divorce Intervention Program (CODIP)

پرداختند. برای این گروه نیز همان پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد. در تمامی مراحل ملاحظات اخلاقی برای هر دو گروه رعایت شد و در آخر، راهنمای راهکارهای درمانی جلسه‌ها به خانواده‌های گروه کنترل نیز داده شد. میانگین سنی گروه آزمایش و کنترل به ترتیب

۱۱/۲۳ و ۱۱/۰۴ سال بود. جلسات برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق سه روز در هفته و طی پنج هفته متوالی برگزار شد. محتوای جلسات برنامه مداخله‌ای مورد استفاده در پژوهش حاضر، در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱

محتوای جلسات مداخله ویژه کودکان طلاق

جلسه	محتوا
جلسه اول	معرفی کودک به گروه و ایجاد یک محیط امن و با ثبات؛ توضیح هدف گروه
جلسه دوم	شناسایی احساسات همراه با ایجاد یک فرهنگ لغات احساسی برای معرفی مفاهیمی مثل همگانی بودن و پذیرفته بودن همه احساسات
جلسه سوم	صحبت کردن در مورد مفهوم خانواده و انواع آن
جلسه چهارم	به کار بردن کلمات و مفاهیم احساسی در مورد تجارب طلاق با هدف ارتقا بینش، بروز و پذیرش چنین احساساتی
جلسه پنجم	معرفی گام‌های حل مساله و تمرکز بر ایجاد راه‌حل‌های متنوع برای یک مشکل
جلسه ششم	تاکید بر ایجاد راه‌حل‌های بیشتر، پیش‌بینی پیامدها و ارزیابی آنها
جلسه هفتم	به کارگیری گام‌های حل مساله مطرح شده در مورد موضوعات مرتبط با طلاق
جلسه هشتم	تمایز قابل شدن بین مشکلاتی که کودکان می‌توانند حل کنند و مشکلاتی که از کنترل آنها خارج است با هدف تشویق برای درگیر شدن در فعالیت‌های متناسب با سن و دوری از مشکلات غیرقابل حل
جلسه نهم	تقویت مهارت‌های حل مساله آموزش داده شده برای مشکلات واقعی از طریق بازی و ایفای نقش
جلسه دهم	کاوش احساسات شخصی کودکان درباره طلاق و حواشی آن با تاکید بر احساسات نسبت به والدین
جلسه یازدهم	تمرکز بر مساله رابطه والد- کودک و درک احساسات متقابل والدین از طریق عروسک بازی
جلسه دوازدهم	مرور و تثبیت مفاهیم اصلی برنامه و کاوش بیشتر مساله رابطه والد و کودک
جلسه سیزدهم	ارتقا برداشت‌های کودک از خود و دیگران از طریق پرسش و پاسخ و ایفای نقش
جلسه چهاردهم	تمرکز بر نقاط قوت و منحصر به فرد هر کودک به عنوان عضو گروه
جلسه پانزدهم	بررسی تجارب و احساسات کودک نسبت به گروه؛ معرفی کسانی که می‌توانند بعد از گروه به کودکان کمک کنند؛ برگزاری جشن پایان

ابزار سنجش

فرم فهرست رفتاری کودکان (CBCL). فرم فهرست رفتاری کودکان (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱)، مشکلات کودکان را در ۸ عامل با عناوین اضطراب/ افسردگی، افسردگی/ انزوا، شکایت‌های جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه، بررسی می‌کند. مشکلات درونی‌سازی شده شامل: اضطراب/ افسردگی، افسردگی/ انزوا، شکایت‌های جسمانی؛ و مشکلات برونی‌سازی شده شامل: نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه هستند (آشنباخ، ۲۰۰۱؛ به نقل از دادستان و همکاران، ۱۳۸۸). زیرمقیاس‌های مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر و مشکلات توجه در حیطه مشکلات

برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده قرار نمی‌گیرند و تحت عنوان مشکلات رفتاری دیگر قرار دارند (کرینجن، آشنباخ و ورهاست، ۲۰۰۱). این پرسشنامه را باید والدین کودک یا فردی که سرپرستی کودک را بر عهده دارد یا هرکسی که با کودک در محیط‌های شبه خانوادگی برخورد دارد و او را کاملاً می‌شناسد تکمیل کند. ابتدا تعدادی سوال که شایستگی‌های کودک را می‌سنجد و هم‌چنین تعدادی سوال بازپاسخ که به ناتوانی‌های کودک مربوط می‌شود تکمیل می‌شود و در ادامه مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک درجه‌بندی می‌شود. تعداد این سوالات ۱۱۳ سوال است و پاسخ‌دهنده بر اساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته به آنها پاسخ می‌دهد (مینایی، ۱۳۸۴). گویه‌های این

برای مقیاس درونی‌سازی شده برابر با ۰/۶۷ و برای زیرمقیاس‌های اضطراب/ افسردگی، افسردگی/ انزوا و شکایت‌های جسمانی به ترتیب برابر با ۰/۵۶، ۰/۳۷ و ۰/۸۳ و برای مقیاس برون‌سازی شده برابر با ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس‌های رفتار پرخاشگرانه و نادیده گرفتن قواعد به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۶۱ به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی شده کودکان به تفکیک گروه آزمایش و کنترل در جدول ۲ ارائه شده است.

پرسشنامه به صورت سه گزینه‌ای کاملاً (۲)، معمولاً (۱) و اصلاً (۰) پاسخ داده می‌شوند (جلالی و همکاران، ۱۳۸۸). فهرست رفتاری کودک یکی از پرکاربردترین و جامع‌ترین ابزارهای سنجش و تشخیص اختلال‌های کودکی به شمار می‌رود که از روایی^۱ و پایایی^۲ قابل قبولی برخوردار است (یانگستورم و یانگستورم، ۲۰۰۵). در هنجاریابی این آزمون در جمعیت ایرانی، ضرایب همسانی درونی^۳ مقیاس‌ها و زیرمقیاس‌های فهرست رفتاری کودک بین ۰/۸۷ و ۰/۷۳ قرار دارد. پایایی باز آزمایی^۴ در فاصله بین ۵ تا ۸ هفته نیز نشان داد که همه ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند و در دامنه ۰/۳۸ تا ۰/۹۷ قرار دارند (مینایی، ۱۳۸۴). در این پژوهش ضریب همسانی درونی در نمونه ۲۵ نفری

جدول ۲

شاخص‌های توصیفی مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی شده گروه کنترل و آزمایش

گروه	مرحله	مشکلات درونی‌سازی شده		مشکلات برون‌سازی شده	
		M	SD	M	SD
کنترل	پیش‌آزمون	۱۱/۱۶	۲/۴۴	۲۷/۷۵	۵/۸۴
	پس‌آزمون	۱۰/۵۸	۲/۲۷	۲۷	۵/۵۵
آزمایش	پیش‌آزمون	۱۲/۳۰	۲/۶۸	۲۸/۸۴	۱۱/۷۸
	پس‌آزمون	۱۱/۲۳	۱/۹۲	۲۶/۳۰	۱۱/۲۲

برابر با $p = ۰/۱۹$ است و در متغیر مشکلات برون‌سازی شده $F = ۰/۶۰$ و سطح معناداری برابر با $p = ۰/۴۴$ است، بنابراین پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیر مشکلات درونی‌سازی شده و برون‌سازی شده تأیید می‌شود.

پیش از تحلیل داده‌ها به منظور بررسی همگنی واریانس متغیرها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود ضریب F آزمون لوین در متغیر مشکلات درونی‌سازی شده برابر با $F = ۱/۷۵$ و سطح معناداری آن

جدول ۳

نتایج آزمون لوین در مورد همگنی واریانس متغیر مشکلات درونی‌سازی شده و برون‌سازی شده در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر وابسته	df ₁	df ₂	F	p
مشکلات درونی‌سازی شده	۱	۲۳	۱/۷۵	۰/۱۹
مشکلات برون‌سازی شده	۱	۲۳	۰/۶۰	۰/۴۴

و برون‌سازی شده کودکان می‌شود با استفاده از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری بررسی شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس‌آزمون حداقل در یکی از دو متغیر مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$).

فرضیه پژوهش مبنی بر این که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق باعث کاهش مشکلات درونی‌سازی شده

1. validity
2. reliability
3. internal consistency
4. test-retest reliability

جدول ۴

نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نمره‌های مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده گروه آزمایش و کنترل، با کنترل پیش‌آزمون‌ها

اثر	آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری	ضریب اتا	اندازه اثر
اثر پیلایی		۰/۵۱	۱۰/۴۰	۲	۲۰	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱/۰۰۰
لامبدای ویلکز		۰/۴۹	۱۰/۴۰	۲	۲۰	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱/۰۰۰
اثر هنتلینگ		۱/۰۴	۱۰/۴۰	۲	۲۰	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱/۰۰۰
بزرگترین ریشه ری		۱/۰۴	۱۰/۴۰	۲	۲۰	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱/۰۰۰

وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر کاهش مشکلات درونی‌سازی شده تایید نمی‌شود. جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که بین گروه کنترل و آزمایش در مشکلات برونی‌سازی شده تفاوت معناداری وجود دارد ($F = ۱۸/۲۴$ و $p = ۰/۰۰۱$)؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان تایید می‌شود.

به منظور بررسی تفاوت مطرح شده، از تحلیل کوواریانس در متن مانکوا روی هر یک از متغیرهای مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است. این جدول نتایج تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین‌های پس‌آزمون دو متغیر مورد بررسی در گروه‌های آزمایش و کنترل، با کنترل پیش‌آزمون‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس بین گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون در مشکلات درونی‌سازی شده ($F = ۰/۲۲$ و $p = ۰/۶۴$) تفاوت معنادار

جدول ۵

نتایج تحلیل کوواریانس در متن مانکوا روی نمره‌های پس‌آزمون مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده در گروه‌های آزمایش و کنترل، با کنترل پیش‌آزمون‌ها

منبع	متغیر وابسته	مرحله	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا	اندازه اثر
گروه	مشکلات درونی‌سازی شده	پس‌آزمون	۰/۱۹	۱	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۶۴	۰/۰۱	۱/۰۰۰
	مشکلات برونی‌سازی شده	پس‌آزمون	۱۷/۰۲	۱	۱۷/۰۲	۱۸/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۰۰

بحث

آلپرت‌گیلیس، پدروکارول و کوئن (۱۹۸۹) نیز اثربخشی این برنامه را روی کودکان دبستانی بررسی کردند و نشان دادند پس از اجرای این مداخله، علاوه بر این‌که سازگاری این کودکان با طلاق والدینشان افزایش یافته بود، عواطف و نگرش‌هایشان نسبت به مساله طلاق نیز بهبود یافته بود که این خود منجر کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری آنها شده بود. پژوهش‌های دیگری نیز خاطر نشان می‌کنند که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق روی کودکان طلاق دبستانی بر کاهش مشکلات رفتاری، پرخاشگری و مشکلات برونی‌سازی شده آنها تاثیر بسزایی دارد (پدروکارول، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱؛ پدروکارول و کوئن، ۱۹۸۵؛ پدروکارول، کوئن، هایتوئر و گویر، ۱۹۸۶؛ پدروکارول و آلپرت‌گیلیس، ۱۹۹۷؛ پدروکارول، ساتن و ویمن، ۱۹۹۹). در همین راستا مطالعه استراچ (۱۹۹۱) نیز اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر کاهش مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی شده کودکان طلاق صورت گرفت. نتایج نشان داد که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده یعنی رفتار پرخاشگرانه و نادیده گرفتن قواعد در کودکان طلاق تاثیر مثبت معنادار دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهشی پدروکارول (۲۰۰۵) همسو است که نشان داد کودکان طلاقی که در برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق شرکت کردند، سازگاری بیشتری با مشکلات پس از طلاق پیدا کردند و توانمندی‌شان در مواجهه با احساسات و حل مشکلات به طور معناداری بهبود یافت؛ و در نهایت منجر به بهبود رفتار و کاهش مشکلات برونی‌سازی شده آنها شد (پدروکارول، آلپرت‌گیلیس و کوئن، ۱۹۸۹).

پژوهش حاضر هم‌چنین نشان داد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، بر کاهش مشکلات درونی‌سازی شده کودکان طلاق تاثیر معنادار ندارد. بررسی مطالعات دیگر (پدروکارول و همکاران، ۱۹۸۹؛ کوئینی و فوتس، ۲۰۰۳؛ ولچیک، شنک و ساندلر، ۲۰۰۹؛ ولز، ولچیک و ساندلر، ۲۰۱۱) در این زمینه نشان می‌دهد کودکانی که در این برنامه شرکت کردند آگاهی بیشتری نسبت به احساسات خود پیدا کردند و سوءبرداشتهای آنها نسبت به موضوع طلاق در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافته است و این موارد منجر به کاهش خود سرزنشگری و در نتیجه کاهش افسردگی و اضطراب در آنها شده است و احساس بهتری نسبت به خود پیدا کردند. هم‌چنین مطالعه پدروکارول و کوئن (۱۹۸۵) نیز نشان داد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق باعث کاهش مشکلات درونی‌سازی شده، به‌خصوص احساس افسردگی و اضطراب ناشی از طلاق می‌شود. هم‌چنین این پژوهشگران خاطر نشان کردند که به خاطر قالب گروهی برنامه و ملاقات هفتگی کودکان با افرادی که در موقعیت مشابه خود قرار داشتند، احساس انزوا و گوشه‌گیری این کودکان در مقایسه با گروه کنترل کاهش معناداری یافته است (پدروکارول و کوئن، ۱۹۸۵). مطالعه استراچ (۱۹۹۱) نیز تاثیر معنادار برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را بر کاهش اضطراب کودکان طلاق تایید کرد. هم‌چنین در مطالعه دیگری که توسط بوسا و وایلد (۲۰۱۴) صورت گرفت، نتایج نشان داد برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق توانسته است تا حد زیادی عقاید نادرست کودکان را درباره طلاق تغییر دهد و از اضطراب آنها بکاهد. پژوهش‌های دیگری که در زمینه اثرات مداخلات گروهی در مورد طلاق انجام شده‌اند نیز نشان دادند این برنامه‌ها به دلیل ماهیت گروهی‌شان توانسته‌اند زمینه را برای از انزوا خارج شدن این دسته از کودکان فراهم آورند تا دریابند که در چنین تجربه‌ای تنها نیستند و از این‌رو اضطراب و افسردگی و خلق منفی آنها کاهش پیدا کرده است (کونولی و گرین، ۲۰۰۹؛ گیلمن، اشناپدر و شولاک، ۲۰۰۵)؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر در مورد مشکلات درونی‌سازی شده کودکان طلاق با پژوهش‌های فوق همسو نیست.

در تبیین این یافته می‌توان به پژوهش‌های اوربیک و همکاران (۲۰۱۵) و شن (۲۰۰۹) در مورد کودکان

ارزیابی کودکان از خود و ارزیابی والدین از رفتار کودکان را تایید کرد. این مطالعه نشان می‌دهد شرکت در برنامه‌های مداخله‌ای ویژه طلاق باعث کاهش رفتارهای مشکل‌آفرین، افزایش مهارت‌های حل مساله و افزایش رفتارهای سازگارانه با مشکلات می‌شود (استراچ، ۱۹۹۱). همسو با نتایج پژوهش حاضر، لومن (۲۰۰۲) نیز در مطالعه خود تاثیر این برنامه را بر بهبود مشکلات رفتاری پس از طلاق در کودکان بررسی نمود؛ وی دریافت که توانایی‌های حل مساله و مهارت‌های خودمهارگری در کودکان گروه آزمایش پس از اجرای برنامه مذکور افزایش یافته بود. نتایج پیگیری شش ساله اثربخشی برنامه‌های مداخله‌ای برای کودکان طلاق در پژوهشی دیگر (ولچیک، ساندلر، میل‌سپ، پلومر، گرین و همکاران، ۲۰۰۶) همسو با نتایج پژوهش حاضر، نشان داد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق توانسته است باعث بهبود مشکلات رفتاری کودکان طلاق از جمله پرخاشگری و نافرمانی شود.

در تبیین اثربخشی برنامه مذکور بر بهبود رفتارهای حاصل از مشکلات برونی‌سازی شده کودکان طلاق می‌توان به مطالعه مدلر و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کرد که نشان می‌دهد رفتارهایی با نشانگان برونی‌سازی مثل اختلال سلوک، آسیب‌رسانی، قانون‌شکنی و پرخاشگری یک وجه مشترک دارند و آن وجود مقابله‌گری^۱ در این رفتارها است. غالباً کودکان در مقابل محیط یا افرادی که از سوی آنان احساس امنیت نمی‌کنند، از رفتارهای مقابله‌ای به‌عنوان یک رفتار بازدارنده استفاده می‌کنند و وقتی محیط و نوع تعامل افراد در جهان اجتماعی کودک مبتنی بر پذیرش، احترام، همدلی و آزادی باشد احساس امنیت و ادراکی که از مقبولیت خود و احساسات خود به دست می‌آورد باعث می‌شود نیازی به ارتکاب رفتارهای مخرب و آسیب‌رسان یا هنجارشکن نداشته باشد. از آنجا که برنامه مداخله‌ای حاضر یک برنامه مداخله‌ای با جو حمایتی مبتنی بر پذیرش و همدلی است، می‌تواند مشکلات برونی‌سازی شده را در کودکان کاهش دهد؛ چنان‌که بلالی و آقاییوسفی (۱۳۹۲) در مطالعه خود در زمینه اثربخشی آموزش رفتار والدین بر مشکلات رفتاری کودکان نشان دادند ایجاد جو تشویقی و حمایتی که پس از تغییر رفتار والدین حاصل می‌شود به‌طور معنادار، مشکلات رفتاری کودکان را کاهش می‌دهد.

1. defiant behavior

رفتارهای مخرب بسیار بیشتر از گزارش مشکلات درونی سازی شده کودک توسط والدین و اطرافیان است (زنگ، ۲۰۰۷). با توجه به این مساله ممکن است بسیاری از مشکلات درونی‌شده کودکان توسط والدین یا مراقبان آنها مشکل‌زا و بااهمیت تلقی نشود و به همین دلیل برخی از والدین در پژوهش حاضر اطلاعات درستی در مورد نشانگان درونی‌سازی شده کودک ارایه نکرده باشند.

از آنجایی که طلاق والدین با بروز مشکلات رفتاری و سازگاری در کودکان و در کل سیستم خانواده همراه است، طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای و مقابله‌ای گروهی که بتواند مشکلات مرتبط با طلاق را برای خانواده‌ها کاهش دهد و یا تاب‌آوری آنها را در برابر این مشکلات افزایش دهد ضروری به نظر می‌رسد. برنامه مداخله‌ای مذکور برای اولین بار در کشور اجرا شده است و با توجه به حساسیت موضوع طلاق در کودکان، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر به‌طور گسترده‌تر و در ابعاد دیگری این برنامه را اجرا کنند تا علاوه بر کاربرد نتایج آن در سطح عملی، در سطح نظری نیز یافته‌ها در اختیار سایر پژوهشگران قرار گیرد و راهگشای پژوهش‌های آتی باشد. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر طرح مقطعی آن بود که تاثیرات مثبت این برنامه مداخله‌ای را روی کودکان طلاق، تنها طی یک دوره چندماهه مورد بررسی قرار داد؛ بر این اساس انجام مطالعات طولی جهت آگاهی از پایداری تاثیرات مداخله مذکور توصیه می‌شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی، اثربخشی این مداخله را در گروه‌های سنی مختلف و با در نظر گرفتن عواملی چون مواجهه کودکان با تعارضات والدین، مدت زمان جدایی، ازدواج مجدد والدین و سایر تحولات چرخه زندگی، در قالب تحقیقات طولی مورد بررسی قرار دهند. مطلوب است در صورت وجود امکانات و زمان کافی، هم‌زمان با اجرای این برنامه، به‌صورت گروهی جلساتی برای مشاوره، توجیه، اطلاع‌رسانی و آموزش والدین و سرپرستان کودکان طلاق برگزار شود تا علاوه بر افزایش سطح اطلاعات خانواده، زمینه همکاری بیشتر آنان با پژوهشگران فراهم شود.

بدرسرپرست اشاره کرد که نشان دادند مشکلات درونی‌سازی شده نظیر گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی، کمرویی، اضطراب یا افسردگی و شکایت‌های جسمانی معمولاً ریشه در دوران کودکی فرد و تأمین‌نیافتگی او و حکایت از یک آشفتگی و بی‌ثباتی در توانایی‌های شناختی کودک دارند؛ لذا از آنجا که غالباً هیجان‌ها و خلق حاصل از زمینه‌های شناختی ضعیف مثل خودکم‌بینی، دل‌بستگی ناپایمن، خودکارآمدی ناکافی و نظایر آن، درونی شده‌اند به سختی انتظار می‌رود که یک مداخله موقت و مقطعی بتواند این مشکلات درونی‌سازی شده را در کودکانی که سال‌ها در معرض تعارضات خانوادگی بوده‌اند، به‌طور معنادار کاهش دهد. هم‌چنین می‌توان در تبیین دیگر این مساله این‌گونه بیان کرد که تحول مشکلات درونی‌سازی شده از قبیل اضطراب، افسردگی، خشم معطوف به درون، احساس گناه و حرمت خود پایین که همگی در کودکان طلاق به‌وفور دیده می‌شود (بوسا و وایلد، ۲۰۱۳)، با تجارب و ادراکات آنها از جو خانواده و ارتباطات نظام فرعی والدین و فرزندان ارتباط دارد و در این میان پیوند عاطفی مناسب بین والدین حایز اهمیت است و باعث پرورش کودکانی با سلامت روانی بالا می‌شود (داهل، هسنن و ویگنز، ۲۰۱۵؛ فلمینگ، شپارد، منگان، تیلور، تالاریگو و همکاران، ۲۰۰۶). از آنجایی که این برنامه تنها برای کودکان طلاق اجرا شد و اهداف آن آموزش مهارت‌های لازم مقابله‌ای و حمایت اجتماعی به شخص کودک بود و طراحی مداخلاتی با هدف کاهش مناقشات خانوادگی یا تغییر فضای عاطفی خانواده در برنامه مدنظر نبود، لذا قابل انتظار است که به علت پایدار ماندن چنین روابط و فضای خانوادگی آشفته‌ای، مشکلات ناشی از آن هم پایدار بماند. از سوی دیگر همان‌طور که مطرح شد مشکلات درونی‌سازی شده، مشکلات معطوف به خود هستند که غالباً رنج شخصی به همراه دارند و در مقابل، مشکلات برونی‌سازی شده با ایجاد مشکل در روابط با دیگران و تزاخم با حقوق دیگران شناخته می‌شود (والکر و رابرت، ۲۰۰۱). به همین دلیل میزان مراجعه والدین به مراکز مشاوره به علت مشکلات برونی‌سازی شده و گزارش

منابع

- رنجبر، خ. (۱۳۹۳). طلاق: چالش‌ها و راهکارها. گزارش منتشر شده از دفتر حمایت از زنان و کودکان دادگستری کل استان بوشهر.
- سیدموسوی، پ.، نادعلی، ح.، و قنبری، س. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برونی‌سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳، ۴۹-۳۷.
- لوف، ه.، شکری، ا.، و قنبری، س. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده دختران. روانشناسی خانواده، ۲، ۱۸-۳.
- مرادی مطلق، م.، عابدین، ع.، و حیدری، م. (۱۳۸۸). تعیین نشانه‌های ترسیم خود در نقاشی سه گروه از کودکان دارای مشکلات درونی‌سازی شده، برونی‌سازی شده و بهنجار. مجله روانشناسی بالینی، ۱، ۳۴-۱۹.
- مهمکام، ر.، و دادستان، پ. (۱۳۸۸). تاثیر درمانگری اسلامی بر اختلال‌های برونی‌سازی شده در کودکان و نوجوانان. فصلنامه روانشناسی و دین، ۷، ۸۹-۶۹.
- مینایی، ا. (۱۳۸۴). هنجاریابی نظام بخشی مبتنی بر تجربه آشنابخ. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- بشارت، م. ع.، دهقانی، س.، و تولائی، ف. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای روانسازیه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. روانشناسی خانواده، ۱، ۱۸-۳.
- بلالی، ر.، و آقاییوسفی، ع. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه آموزش والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی کاربردی، ۴، ۷۳-۵۹.
- جلالی، م.، پوراحمدی، ا.، باباپور خیرالدین، ج.، و شعیری، م. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر کاهش اختلال‌های برونی‌سازی شده در کودکان ۷ تا ۱۰ سال. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ۱۳، ۴۳-۲۲.
- خانجانی، ز.، و هداوندخانی، ف. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد شخصیت مادران با اختلال‌های برونی‌سازی و درونی‌سازی شده دختران. دوفصلنامه روانشناسی معاصر، ۷، ۱۰۸-۹۹.
- دادستان، پ.، بیات، م.، و عسگری، ع. (۱۳۸۸). تاثیر بازی درمانگری کودک‌محور بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان. مجله علوم رفتاری، ۴، ۲۶۴-۲۵۷.
- depression. *Family and Conciliation Court Review*, 35, 269-279.
- Connolly, M. E., & Greene, E. J. (2009). Evidence-based counseling interventions with children of divorce: Implications for elementary school counselors. *Journal of School Counseling*, 26, 1-37.
- Crinjen, A. A. M., Achenbach, T. M., & Verhulst, F. C. (2001). Problems reported by parents of children in multiple cultures: The child behavior checklist syndrome constructs. *The American Journal of Psychiatry*, 156, 569-574.
- Dahl, S. A., Hnsen, H. T., & Vignes, B. (2015). His, her, or their divorce? Marital dissolution and sickness absence in Spain. *Journal of Marriage and Family*, 77, 461-479.
- Fagan, P.F., & Churchill, A. (2012). The effect of divorce on children. *Marriage and religion research*, 12, 1-48.
- Fanti, K. A. (2007). *Trajectories of pure and co-occurring internalizing and externalizing*

References

- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school age: Form & profiles*. Burlington, VT: Research Center for Children, Youth, & Families.
- Alpert-Gillis, L. J., Pedro-Carroll, J. L., & Cowen, E. L. (1989). Children of Divorce Intervention Program: Development, implementation and evaluation of a program for young urban children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 583-587.
- Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1269-1287.
- Botha, C. J., & Wild, L. G. (2013). Evaluation of a school-based intervention program for South African children of divorce. *Journal of Child & Adolescent Mental Health*, 25, 81-91.
- Brewer, M. M. (2010). The effects of child gender and child age at the time of parental divorce on the development of adult

- problems from age 2 to age 12: Findings from the NICHD study of early child care.* A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for PhD degree, Georgia State University.
- Fleming, D. A., Sheppard, V. B., Mangan, P. A., Taylor, K. L., Tallarico, M., Adams, I., et al. (2006). Caregiving at the end of life: Perceptions of health care quality and quality of life among patients and caregivers. *Journal of Pain Symptom Management, 31*, 407-420.
- Gilliom, M., & Shaw, D. S. (2004). Co-development of externalizing and internalizing problems in early childhood. *Developmental Psychopathology, 16*, 313-334.
- Gilman, J., Schneider, D., & Shulak, R. (2005). Children's ability to cope post-divorce: The effects of Kids' Turn Intervention Program on 7 to 9 year olds. *Journal of Divorce & Remarriage, 42*, 109-126.
- Halligan, C., Chang, I. J., & Knox, D. (2014). Positive effects of parental divorce on undergraduates. *Journal of Divorce & Remarriage, 55*, 557-567.
- Hetherington, E. M., & Kelly, J. (2002). *For better or worse.* New York: Norton.
- Hsieh, M. O., & Shek, T. D. L. (2008). Personal and family correlates of resilience among adolescents living in single-parent households in Taiwan. *Journal of Divorce & Remarriage, 49*, 330-348.
- Jeremy, A. (2015). The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior. *Journal of Divorce and Remarriage, 56*, 25-42.
- Laumann, G. M. (2002). *The impact of a school-based intervention program on the divorce adjustment of latency-aged children: An evaluation of the Rainbows Program.* Unpublished doctoral dissertation. United State, Illinois: University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Listug-lunde, L., Bredmeier, K., & Tyan, W. D. (2005). Concurrent parent and child group outcomes for child externalizing disorders. *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy, 1*, 124-130
- Liu, J. (2004). Childhood externalizing behavior: Theory and implications. *Journal of Child and Adolescence Psychiatry and Nurse, 17*, 93-100.
- Loucks Greenwood, J. (2014). Effects of a mid-to late-life parental divorce on adult children. *Journal of Divorce & Remarriage, 55*, 539-556.
- Marchant, M. R., Solano, B. R., Fisher, A. K., Caldarella, P., Young, K. R., & Renshaw, T. L. (2007). Modifying socially withdrawn behavior: A playground intervention for students with internalizing behaviors. *Psychology in the Schools, 44*, 779-794.
- Maughan, D. R., Christiansen, E., Jenson, W. R., Olympia, D., & Clark, E. (2005). Behavioral parent training as a treatment for externalizing behaviors and disruptive behavior disorders: A meta-analysis. *School Psychological Review, 34*, 67-86.
- Mesman, J., Bongers, I. L., & Koot, H. M. (2001). Preschool developmental pathways to preadolescent internalizing and externalizing problems. *Journal of Child Psychology & Psychiatry & Allied Disciplines, 42*, 679-689.
- Oland, A. (2002). *The development of pure co-occurring externalizing and internalizing symptomatology in children [dissertation].* Pittsburg: University of Pittsburg.
- Overbeek, M. M., De Schipper, J. C., Willemsen, A. M., Lamers-Winkelmann, F., & Schuengel, C. (2015). Mediators and treatment factors in intervention for children exposed to interparental violence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 44*, 1-17.
- Pedro-Carroll, J. (2005). Fostering resilience in the aftermath of divorce: The role of evidence based programs for children. *Family Court Review, 43*, 52-64.
- Pedro-Carroll, J. L. (2011). How parents can help children cope with separation/divorce. *Encyclopedia on Early Childhood Development*, available in <http://www.child-encyclopedia.com>
- Pedro-Carroll, J. L., & Alpert-Gillis, L. J. (1997). Preventive interventions for children of divorce: A developmental model for 5 and 6 year old children. *Journal of Primary Prevention, 18*, 5-23.
- Pedro-Carroll, J. L., & Cowen, E. L. (1985). The children of divorce intervention program: An investigation of the efficacy of a school-based prevention program. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 53*, 603-611.
- Pedro-Carroll, J. L., Alpert-Gillis, L., & Cowen, E. L. (1989). The children of divorce intervention program: Development,

- implementation, and evaluation of a program for young urban children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 583-584.
- Pedro-Carroll, J. L., Cowen, E. L., Hightower, A. D., & Guare, J. C. (1986). Preventive intervention with latency aged children of divorce: A replication study. *American Journal of Community Psychology*, 14, 277-290.
- Pedro-Carroll, J. L., Sutton, S. E., & Wyman, P. A. (1999). A two-year follow-up evaluation of a preventive intervention program for young children of divorce. *School Psychology Review*, 28, 467-476.
- Quinney, D. M., & Fouts, G. T. (2003). Resilience and divorce adjustment in adults participating in Divorce Recovery Workshops. *Journal of Divorce and Remarriage*, 40, 55-68.
- Roelofs, J., Meesters, C., Huurne, M. T., Bamelis, L., & Muris, P. (2006). On the links between attachment style, parental rearing behaviors and internalizing and externalizing problems in non-clinical children. *Journal of Child & Family Studies*, 15, 331-334.
- Rosenhan, D. L., & Seligman, M. E. P. (1997). *Abnormal psychology*, 3rd Ed. New York: Norton & Company.
- Shen, A.C.T. (2009). Long-term effects of inter-parental violence and child physical maltreatment experiences on PTSD and behavior problems: A national survey of Taiwanese college students. *Child Abuse & Neglect*, 33, 148-160.
- Smedler, A. C., Hjern, A., Wiklund, S., Anttila, S., & Pettersson, A. (2015). Programs for prevention of externalizing problems in children: Limited evidence for effect beyond 6 months post intervention. *Child & Youth Care Forum*, 44, 251-276.
- Stekoll, A. (2011). *Bibliotherapy: A proposed treatment for children coping with divorce*. A dissertation presented for the degree of Doctor of Psychology. California: Palo Alto University.
- Strauch, G. L. (1991). *Ethnicity and treatment schedule: A study of the children of divorce intervention program*. A Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of Psychology. Fuller Theological Seminary.
- Velez, C. E., Wolchik, S. A., & Sandler, I. N. (2011). Interventions to help parents and children through separation and divorce. *Divorce & Separation*, 14, 1-11.
- Walker, C. E., & Roberts, M. C. (2001). *Handbook of Clinical Child Psychology*. Third Edition. NY: John Wiley & Sons, Inc.
- Weaver, J. M., & Schofield, T. J. (2015). Mediation and moderation of divorce effects on children's behavior Problems. *Journal of Family Psychology*, 29, 39-48.
- Wicks-Nelson, R., & Israel, A. C. (2003). *Behavior disorders of childhood*, 5th Ed. New Jersey: Pearson Education.
- Wolchik, S. A., Sandler, I. N., Millsap, R. E., Plummer, B. A., Greene, S. M., & Anderson, E. R. (2006). Six year follow-up of preventive interventions for children of divorce: A randomized controlled trial. *Journal of the American Medical Association*, 288, 1874-1881.
- Wolchik, S. A., Schenck, C. E., & Sandler, I. N. (2009). Promoting resilience in youth from divorced families: Lessons learned from experimental trials of the New Beginnings Program. *Journal of Personality*, 77, 1833-1868.
- Youngstrom, E., & Youngstrom, J. K. (2005). Bipolar diagnoses in community mental health: Achenbach child behavior checklist profiles and patterns of comorbidity. *Biological Psychiatry*, 58, 596-575.
- Zing, G. (2007). *An exploratory investigation of the internalizing problem behavior among children from kindergarten to third grade*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for PhD degree, University of Pennsylvania.